

المُسْتَعَان

فِي

إِعْرَابِ الْقُرْآنِ

الجزء السابع و الجزء الثامن

المجلد الرابع

مَوْسُوعَةٌ صَرْفِيَّةٌ، نَحْوِيَّةٌ وَ لُغَوِيَّةٌ لِأَنَّ الْقُرْآنَ الْكَرِيمَ
بِرُوسَى صَرْفِيٍّ، نَحْوِيٍّ وَ لُغَوِيٍّ وَارْتِهَائِيٍّ، قُرْآنِ كَرِيمٍ

عَرَبِيٍّ، فَارْسِيٍّ

تَأْلِيفُ:

الدكتور سيد رضا نجفي

أستاذ جامعة إصفهان

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

نجفی، سید رضا، ۱۳۴۱-

المستعان فی اعراب القرآن / تالیف سید رضا نجفی.

اصفهان: کتابخانه نجف، ۱۳۹۲ -

ج. ۲۵۲ ص.

دوره: ۹78-964-94070-5-0 ج. ۱: ۹78-600-94815-5-2 ج. ۲: ۹78-600-94815-2-1

ج. ۳: ۹78-600-94815-4-5 ج. ۴: ۹78-600-94815-8-3 ج. ۱۴: ۹78-600-94815-3-8

ج. ۱۵: ۹78-600-94815-6-9

قاپا

عربی.

Sayed Reza Najafi. Al-Mosta'an fi erabe ...

پشت جلد لاتینی شده: ۱۵ و ۱۴ (چاپ اول: ۱۳۹۵ (فیا)).

ج. ۲ و ۳ و ۴ و ۱۴

کتابنامه.

نمایه.

ج. ۱. سورة الحمد و سورة البقره - ج. ۲. جزء ۳ و ۴: سورة البقره - سورة النساء - ج. ۳. جزء ۵ و ۶ سورة النساء -

سورة المائد - ج. ۴. سورة مائد - سورة اعراف - ج. ۱۴. جزء ۲۷ و ۲۸: سورة الذاریات الى التحريم - ج. ۱۵.

جزء ۲۹ و ۳۰: سورة الملک الى سورة الناس

قرآن - صرف و نحو

Qur'an -- Grammar

قرآن - اعراب

Qur'an -- *Diacritics

BPAT/A/۱۳۹۲

۱۳۹۲

۳۳۲

وضعیت فهرست نویسی:

یادداشت:

یادداشت:

یادداشت:

یادداشت:

یادداشت:

مندرجات:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتاب شناسی ملی:



- نام کتاب: المستعان فی اعراب القرآن - المجلد الرابع
- مؤلف: دکتر سید رضا نجفی
- صفحه آرا: عباسعلی ربانی
- نوبت چاپ و سال انتشار: چاپ اول - ۱۳۹۵
- شمارگان: ۱۰۰۰
- ناشر: کتابخانه نجف
- چاپ و صحافی: گار اصفهان
- شابک جلد چهارم: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۸۱۵-۸-۳
- شابک دوره ۱۵ جلدی: ۹۷۸-۹۶۴-۹۴۰۷۰-۵-۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

مركز فروش: اصفهان، میدان آزادی، خیابان هزار جریب، فروشگاه کتاب جهاد دانشگاهی اصفهان

تلفن: ۰۳۱-۳۷۹۳۲۰۸۶

تماس با ناشر - مؤلف: ۰۹۱۳۱۱۵۰۶۱۸

پست الکترونیکی: rezanajafi84@yahoo.com

فهرست مطالب

مقدمه	۵
سُورَةُ المائدة	۱۱
سُورَةُ الأنعام	۸۲
سُورَةُ الأعراف	۳۳۱
فهرس المصادر و المراجع	۴۴۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

حمد و سپاس خدای تعالی را که قرآن را با بیان: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ از تحریف و تبدیل حفظ نمود و درود بی کران خدا بر پیامبر اعظم که وی را تذکر و رحمت و سراج منیر و هادی جهانیان قرار داد. سلمه آن و دانشمندان علوم اسلامی از صدر اسلام به حفظ قرآن در صدور و محافظت بر آن در سطور همت گماردند و علما در هر عصر و زمانه، برای کشف معانی قرآن و پرده برداشتن از رمز و رازهای آن و شناخت آن هانی با ، بدان روی آوردند، بعضی به تفسیر آیات و احکام و اسباب نزول پرداختند و بعضی به تجوید و قرائات و بعضی به بلاغت قرآن و اعجاز بلاغی آن روی آوردند. همان گونه که بعضی برای دریافت عبرت‌ها، به قصص و احوال قرآن توجه نمودند، برخی نیز برای فهم لطائف و اشارات به اعراب قرآن و بیان مشکلات اعرابی یا صرفی و نحوی آن همت گماردند.

اعراب در لغت به معنای روشن و آشکار است و اعراب در اصطلاح نحویان عبارت است از روشن ساختن کلام برای مخاطب به گونه‌ای که در آن خطایی نباشد، ابن هشام اعراب را اثری ظاهر یا مقدر می‌داند که عامل در آخر اسم متمکن آشکار می‌آورد. اعراب می‌مانند ابن‌مالک، اعراب را پدیده‌ای لفظی دانسته‌اند که به صورت حرکت، حرف، سکون یا حذف در آخر کلمات ظاهر می‌شود. اما بیشتر محققان، اعراب را پدیده‌ای معنوی دانسته‌اند که حرکات و سکونات دلیل بر آن است.

بر اساس معنای اصطلاحی، اعراب منحصر به صدای آخر کلمات نیست، اما بر پایه‌ی معنای لغوی همه‌ی حروف کلمه، دارای وصف اعراب است. شاید بعضی از روایاتی که دعوت به تکریم اعراب در زبان عربی دارد ناظر به همین معنی باشد؛ آنجا که نبی مکرم اسلام (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود: أَعْرَبُوا الْقُرْآنَ وَ التَّمَسُّوا غَرَائِبهَ، ظاهراً مراد از اعراب تلفظ صحیح و واضح الفاظ است و در روایت دیگری فرمود: أَعْرَبُوا الْكَلَامَ كَمَا تُعْرَبُوا الْقُرْآنَ. در این کلام نیز، مراد تلفظ صحیح حرکت آخر کلمه و هم تلفظ همه حروف و صداهای هر واژه می‌باشد.

غالباً حرکات اعرابی نقش اصلی را در تفاهم و بیان معنای مقصود گوینده بر عهده دارد، به گونه‌ای که هر گونه تغییر در اعراب به تغییر در معنای جمله می‌انجامد. از این رو اعراب هزار زبان عربی بوده است، اما دانش اعراب به ویژه اعراب قرآن از دامن قرآن کریم برخاسته و تاریخ آن به دوره پس از نزول قرآن بر می‌گردد.

بر پایه‌ی روایات مُتَنَسِّلِ اسلامی، نخستین بار علام اعرابی، در قرآن کریم به کار رفته است، أَبُو الْأَسْوَدِ دُوْلِی (م. ۶۹۰ق) به اشاره امام علی (علیه السلام) و با کمک یحیی بن یَعْمُر، آغازگر اعراب گذاری قرآن کریم بوده است. در نخستین اعراب گذاری به معنای تعیین صدای کلمات، که بسیار ساده و ابتدایی بود، از نقطه استفاده شد. برای علامت فتحه، نقطه‌ای در بالای حرف و برای کسره نقطه‌ای در زیر حرف و برای ضمه نقطه‌ای در جلوی حرف قرار دادند و برای تنوین از دو نقطه و با رنگ‌های مختلف استفاده شد. بی شک أَبُو الْأَسْوَد غَضِی جز پیشگیری از خطای نو مسلمانان و حفظ زبان عربی نداشت، همان کسانی که در اثر فتوحات و ر. آ. ختن با عجم بیم آن می‌رفت که زبانشان رفته رفته دچار انحراف گردد.

نقطه‌های اعرابی پس از حدود یک قرن به دست خلیل بن أحمد فَرَاهِیدی (م. ۱۷۵ق) به صورت شکل‌های مختلف درآمد و به تدریج به شکل امروزی تثبیت شد. در نیمه دوم قرن دوم رفته رفته باغولی در اعراب قرآن مواجه می‌شیم، دست‌یابی همچون عبدالله بن اُبی اسحاق، ابو عمرو بن غَلا، عیسی بن عُمَر ثقفی، یونس بن حَبِیب، به تحلیل و تبیین بخش‌های کلمات در آیات قرآن پرداختند و برجسته‌ترین دانشمندان این دوره سیبویه است؛ وی در «شکران سکر خود» «الکتاب» که نخستین کتاب در نحو عربی است، در ضمن تدوین قواعد نحو، به تبیین و تحلیل نقش نحو کلمات قرآن پرداخته است. گفتنی است که سیبویه در «الکتاب» به ۴۱۳ آیه قرآن کریم در مباحث گرامری نوی استشهاد کرده است.

با ظهور سیبویه و اثر برجسته‌اش «الکتاب»، مکتب نحوی بصره شکل گرفت؛ از جمله ویژگی‌های بارز این مکتب، قانونمند کردن قواعد نحو و روی آوردن به قیاس در نحو عربی است، و با این رویکرد قواعد منضبط، محدود و در نتیجه سهل و آسان شد. و در مقابل این مکتب، مکتب کوفه به پیشانی کسانی (م. ۱۸۹ق) پدید آمد، این گروه بیشتر به نقل و سماع توجه داشتند. به هر روی نحو بصره از اعتبار بیشتری برخوردار گشت و تقریباً به عنوان نحو معیار، پیروان بیشتری را به خود جلب کرد. یکی از دلایل پی‌شاز نحو بصره و تقدّم آن بر نحو کوفه، متهم شدن نحو کوفه به استناد و استدلال به لهجه‌های غیر فصیح بود. در واسطه سده سوم هجری قمری، شاهد ظهور مکتب نحو بغداد هستیم که تلفیقی از دو مکتب نحو بصره و کوفه است. در حقیقت باید آن را حد اعتدال این دو مکتب دانست؛ دانشمندی چون ابن خَالَوَیه، ابن دُرَستویه، ابن جَنّی، رُجَاح و زُحَاشی به آن گرایش داشتند و دانشمندان مکتب اندلس، بیشتر به تدوین کتب دستوری زبان عربی اهتمام ورزیدند.

جایگاه و نقش مهم اعراب قرآن سبب شد که دانشمندان پس از قرن دوم به طور گسترده به تحقیق و تألیف در این دانش بپردازند، ظاهراً برای نخستین بار أَبُو جَعْفَر رُؤَاسِی از اصحاب امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) هم که استاد کسانی و فَرَّاء بود، کتابی به عنوان اعراب القرآن نگاشت.

طبرسی اعراب قرآن را برترین علم از علوم قرآن معرفی کرده است، زیرا هر بیانی به آن نیازمند و کلید گشودن معنای عبارات است و بدون آگاهی از آن، مراد خدا ناممکن است. و بعضی مانند ابن هشام و شیوطی و زرکشی اعراب را فرع بر فهم معنا می دانند و معتقدند نخست باید فهم صحیحی از آیات به دست آورد، سپس بر طبق معنا اعراب آیه را بیان کرد. این در حالی است که در موارد بی شماری فهم صحیح آیه بر نوع اعراب آن مبتنی است و موارد فراوانی نیز یافت می شود که اعراب مبتنی بر دریافت معنا و فرع آن است و این به سبب ویژگی زبان عربی، به ویژه زبان قرآن و نظم دقیق و حساب شده آن است که در موارد بسیاری به آیات، قابلیت وجوه نحوی و اعرایی گوناگون می دهد و مطابق با هر ترکیب و تحلیل، معنایی متناسب برداشت می شود. لیکن ما بر این باوریم که معنا و اعراب لازم و ملزوم یکدیگر هستند و در هنگام رجوع به عبارت باید هرزمان به مد نظر قرار گیرد و فهم معنا به اعراب کمک می کند و اعراب در کشف معنا مقدر را یاری می سازند.

توجه به اعراب نزد دانشمندان مسلمان تا جایی فزونی یافت که اعراب قرآن به عنوان فنی مستقل در کتب ویژه جای گرفت، لیکن دانشی که به این فن شهرت یافتند همه در کارشان برابر نبودند، بلکه از جهات مختلف و با رویکردهای گوناگون، آری از خود برجای گذاشتند. پس از رؤاسی بعضی مانند منکی بن ابی طالب القیسبی (م ۴۳۷ق) به مشال اعراب قرآن پرداختند و بعضی مانند ابن الأبناری صرفاً به جانب غریب قرآن متمایل گشتند و برخی مانند ابوالقاء العکبری (م ۶۱۶ق) در کتابش به نام "إملاء ما مرئ به الزحمن"، اعراب کل قرآن را بررسی کردند. مگر مواردی که آشکار باشد، ابواسحاق زجاج (م ۳۱۱ق) در کتاب اعراب القرآن با تقسیمات خاص خود به اعراب قرآن روی آورد. است و بعضی مانند قزّاء، در کتاب "معانی القرآن" و ابن جی (م ۳۹۲ق) در کتاب "مختسب" و ابن فارس (م ۲۰۰ق) در کتاب "حجّة" و نحاس (م ۳۳۸ق) در کتاب "إعراب القرآن" به گردآوری موارد دشوار اعراب پرداخته اند و دیگر کسانی که از قدما در اعراب القرآن، صاحب تألیف می باشند، عبارتند از: قُطْرُب (م ۲۰۶ق)، أَبُو خَاتَم السَّجِسْتَانِي (م ۲۴۸ق)، و أَبُو الْعَبَّاسِ الْمُرِيد (م ۲۸۶ق)، و أَبُو الْعَبَّاسِ ثَعْلَب (م ۲۹۱ق)، و أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خَالَوَيْه (م ۳۷۰ق)، و أَبُو زَكْرِيَا تَبْرِي (م ۵۰۲ق).

و نیز به دانشمندان دیگری می توان اشاره کرد که اعراب قرآن را در ضمن کتاب تفسیر خود مطرح کرده اند، مانند محمود زنجشیری (م ۵۳۸ق)، در کتاب "الکشاف"، و أَبُو حَتَّانِ الْأَنْدَلِسِي، در کتاب "بَحْرُ الْمُحِيط"، حسن طبرسی در کتاب "تَجْمَعُ الْبَيَان". و در میان کتاب های تألیف شده در موضوع اعراب قرآن دو کتاب "اعراب القرآن" زجاج و "مغنی اللیب" ابن هشام، در شیوه نگارش با دیگر کتب متفاوت است؛ این دو کتاب مبتکر بحث موضوعی در زمینه اعراب قرآن می باشد. در حالی که کتاب های گذشته در

واقع به تحلیل اعراب کلمات و آیات مشکل قرآن به ترتیب سُوره‌ها و آیات روی می‌آوردند و در میان مؤلفات معاصر، دو کتاب "إعراب القرآن و بیانه" از محی الدین ذروی و "الْمُسْتَعَانُ فِي إِعْرَابِ الْقُرْآنِ وَ صَرْفِهِ وَ بَيَانِهِ" از محمود صافی از شهرت بیشتری برخوردار است.

اولین بار در دهه شصت با تولید نرم افزار قرآنی کوثر، به اعراب قرآن روی آوردم و در دهه هفتاد تولید نرم افزار بزرگ اعراب القرآن را آغاز نمودم که در سال ۱۳۸۱ به نتیجه رسید و به همت شرکت سروش وابسته به صدا و سیما مرکز اصفهان تکثیر و توزیع گردید. پس از اقبال عمومی به آن نرم افزار و دریافت نتایج و بازخوردها، آگهی از نظرات کاربران محترم، به فکر اصلاح و به روز کردن آن برآمدم و از آنجا که بعضی خواهان اعراب قرآن به صورت کتاب بودند، کتاب: **المُسْتَعَانُ فِي إِعْرَابِ الْقُرْآنِ**، در پاسخ به این درخواست تهیه و همه ساله در مکان درک معانی بلند قرآن کریم تقدیم می‌گردد.

مشخصات این کتاب

در این اثر پژوهشی آموزشی ویژه پژوهشگران علوم قرآنی و طلاب علوم دینی به ویژه طلاب جامعه الزهراء (سلام الله علیها) و مطابق با سبک چاپ دانشگاه ان گروه‌های زبان عربی و الهیات و علوم قرآنی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تدوین گشت. در این کتاب آمده است که اعراب کلمات با توجه به معانی الفاظ و عبارات صورت گیرد و با تکیه بر وجوه شایع و رایج در میان فصیحان عرب و قواعد دستوری از وجوه شاذ و نادر و اعراب‌های خلاف ظاهر و منافی با نظم کلام، دوری بریده شود و با پرهیز از کاربرد اصطلاحاتی که با شأن کتاب الهی ناسازگار است، در تبیین اعراب در چارچوب اصطلاحات و قواعد پذیرفته شده در صناعت صرف و نحو حرکت صورت پذیرد.

شایان ذکر است که در جای جای این تالیف، ضمن بیان اعراب و وجوه شایع و اصلی و مختار در متن، بعضی وجوه مُتَمَثِّل و مُرْتَبِط دیگر نیز، به زبان فارسی در باورقی برای پژوهشگران ذکر شده است و شرح اصطلاحات صرفی و نحوی و تعریف انواع جمله در خاتمه کتاب به دو زبان عربی و فارسی به صورت مختصر آورده شده است.

در این کتاب که شامل سوره‌های جزء ۷ و ۸ می‌باشد، روش مؤلف اعراب کل کلمات قرآنی است. بدین صورت که همدی واژه‌های نورانی قرآن، اگر چه تکراری باشد از نظر صرفی و نحوی و همچنین همه عبارات هدایتگر از نظر نوع جمله، مورد بررسی قرار گرفته است. بنابر این، تحلیل صرفی و نحوی هر کلمه و با نقش هر جمله به راحتی و با اطلاعات مشترک و برابر، در هر آیه در دسترس خواننده قرار گرفته است و از ارجاع به نمونه‌های مشابه قبلی خودداری شده است و برای هر واژه: اسم، فعل یا حرف، اطلاعات برابر در

کل آیات و با ترتیب مشخص و با حرکت گذاری کامل، برابر نمونه‌های زیر ارائه شده است و از آنجا که اسم و فعل دارای معنای مستقل است، این دو قبل از مشخصات صرفی و نحوی به زبان فارسی ترجمه شده است:

برای هر حرف، شش ویژگی صرفی و اگر حرف جر باشد هفت ویژگی به ترتیب زیر ارائه گردیده است:

قَدْ: حرف، حرف تَحْقِيقِ، غَيْرُغَائِلٍ، مَبْنِيٌّ، بِنَاؤُهُ أَصْلِيٌّ، مَبْنِيٌّ عَلَى الشُّكُونِ.

عَلَى: حرف، حرف جَزْ، مُتَعَلِّقٌ بِفِعْلٍ قَبْلَهُ، غَائِلٍ، مَبْنِيٌّ، بِنَاؤُهُ أَصْلِيٌّ، مَبْنِيٌّ عَلَى الشُّكُونِ.

برای اسم معرب ۱۰ نکته صرفی و ۳ نکته نحوی به ترتیب نمونه زیر ذکر شده است. اطلاعات صرفی و نحوی و نوع جمله با دو خط اریب: // از هم جدا گشته‌اند:

الْحَمْدُ: ا م، حَامِدٌ مُصَدَّرٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُنْصَرَفٌ، ح م د، الْفِعْلُ، مُعَرَّبٌ. // مَبْدَأٌ، مُرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ.

برای اسم غیر عربی تنه: ۶ ویژگی صرفی و برای اسم عدد معرب ۵ ویژگی صرفی و اسم عدد مبنی ۷ ویژگی صرفی و برای ظرف و اسم جر: ۳ ویژگی صرفی نوشته می‌شود، مانند:

مُوسَى: ا س م، اِسْمٌ غَيْرُعَرَبِيٍّ، مُفْرَدٌ، اُنْثَى، غَيْرُ مُنْصَرَفٍ مُعَرَّبٌ. // مَفْعُولٌ بِهِ اَوَّلٌ، مُنْصَوِّبٌ بِالْفَتْحَةِ الْمُقَدَّرَةِ.

اَلْفُ: ا س م، اِسْمٌ عَدَدٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، اُنْثَى // مَفْعُولٌ فِيهِ، مُنْصَوِّبٌ بِالْفَتْحَةِ.

تِسْعَةُ عَشْرَةَ: ا س م، اِسْمٌ عَدَدٌ، مُفْرَدٌ، اُنْثَى، اُنْثَى، غَائِلٌ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ. // مُضَافٌ اِلَيْهِ، مُجَرَّرٌ خَلَا.

بَيْنَ: ا س م، ظَرْفٌ، مُعَرَّبٌ. // مَفْعُولٌ فِيهِ، مُنْصَوِّبٌ بِالْفَتْحَةِ.

مَنْ: ا س م، اِسْمٌ شَرْطٌ جَاازٌ، مَبْنِيٌّ عَلَى الشُّكُونِ. // مَبْدَأٌ، مُرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ.

برای هر فعل مبنی: ماضی و امر حاضر، ۱۲ ویژگی صرفی و برای اسم معرب: مضارع و امر غائب، ۱۰ ویژگی صرفی به ترتیب زیر و مانند نمونه تقلیم شده است و نوع اعراب فعل مضارع نیز پس از بخش صرف مشخص شده است.

عَلِمَ: فعل، فعل ماضٍ، لِلْغَائِبِ ۱، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٍّ، مَعْلُومٌ، ع ل م، اُنْثَى، مَبْنِيٌّ، بِنَاؤُهُ أَصْلِيٌّ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ. // فَاعِلُهُ اِسْمُ الظَّاهِرِ.

كَلَمُوا: فعل، فعل امر، لِلْمُخَاطَبِينَ ۹، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٍّ، مَعْلُومٌ، ا ك ل، اُنْثَى، مَبْنِيٌّ، بِنَاؤُهُ أَصْلِيٌّ، مَبْنِيٌّ عَلَى خَذْفِ التَّوْنِ. // فَاعِلُهُ الضَّمِيرُ الْبَارِزُ "و". // الْجُمْلَةُ: اِسْتِنَافِيَّةٌ، لَا تَحِلُّ لَهَا مِنَ الْاِعْرَابِ.

تُبِيتُ: فعل، فعل مضارع، لِلْغَائِبَةِ ۴، ثَلَاثِيٌّ مُزِيدٌ، اِفْعَالٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٍّ، مَعْلُومٌ، ن ب ت، تَفْعِلٌ، مُعَرَّبٌ. // مُرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ. // فَاعِلُهُ اِسْمُ الظَّاهِرِ.

لِيَصُم: فِعْلٌ، فِعْلٌ أَمْرٌ، لِلْعَائِبِ ۱، ثَلَاثِي مُجَرَّدٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٍّ، مَعْلُومٌ، ص و م، لِيُقْل، مُعَرَّبٌ. // مَجْزُومٌ بِالسُّكُونِ. // فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ مُسْتَرِزٌ جَوَازًا تَقْدِيرُهُ "هُوَ". // الْجُمْلَةُ: فِي تَحَلٍّ الْجَزْمِ، جَوَابُ الشَّرْطِ.

در ترجمه اسم و فعل تلاش شده است معنای واژه بدون توجه به ماقبل و مابعد آن و سیاق آیه مورد نظر، ارائه گردد، از این روی به عنوان مثال حرف نفی تأثیری در ترجمه نداشته و فعل‌های منفی، مثبت معنا شده است.

همان گونه که در نمونه‌های بالا مشاهده شد، مرفوع هر فعل یعنی نوع فاعل یا نائب فاعل در فعل‌های تام و نوع اسم در فعل‌های ناقص، با یکی از گزینه‌های: ضمیر مستتر، ضمیر بارز، اسم ظاهر و یا مصدر مؤول در مقابل خود فعل مشخص شده است.

نوع اسم، چه صغری و چه کبری و چه جمله‌هایی که محلی از اعراب دارند و چه جمله‌هایی که محلی از اعراب ندارند، مایل فعل اگر مرفوعش ضمیر است و یا در مقابل فاعل، نائب فاعل، خبر و یا معمول‌هایی مانند مفعول به، معین فیه و معمول مطلق که فعل آن‌ها محذوف است معین می‌گردد. مانند این جمله اسمیه که خبر آن خود جمله‌ای دیگر است.

هُم: إِسْمٌ، ضَمِيرٌ مُفَصَّلٌ رُبْعِيٌّ، جَبِي عَلَى السُّكُونِ. // مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ تَحَلًّا.

يُوقِنُونَ: فِعْلٌ، فِعْلٌ مُضَارِعٌ، لِلْعَائِبِ ۳، ثَلَاثِي مُزِيدٌ: اِفْعَالٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٍّ بِحَرْفِ الْخَرِّ. بـ، مَعْلُومٌ، ي ق ن، يُفَعِّلُونَ، مُعَرَّبٌ. // مَرْفُوعٌ بِالتَّوْنِ. // إِسْمٌ، ضَمِيرٌ الْبَارِزُ "و". // الْجُمْلَةُ: فِي تَحَلٍّ الرَّفْعِ، خَيْرٌ. الْجُمْلَةُ الْكُبْرَى: مُعْطَوِيَّةٌ، لَا تَحَلُّ لَهَا مِنَ الْإِعْرَابِ.

امید است این خدمت قرآنی جدید، که برگرفته از طرح پژوهشی منصوب دانشگاه اصفهان به شماره ۹۲۱۱۱۱۱۸، و در سایت: katabolquran.info/earabolquran نیز قابل دسترسی است، کمکی در فهم و تدبیر کلام الهی و آشنایی با معارف قرآنی و رهگشای زندگی دنی و دهر عقی باشد.

و اللَّهُ الْمُسْتَعَان

دانشیار گروه عربی دانشگاه اصفهان